

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۳۲

جمعه ۱۵ شهریور ۱۳۹۸، ۶ سپتامبر ۲۰۱۹

توضیح سردبیر در مورد مقاله
"چرا انقلاب ۵۷ شکست خورد" منتشر شده
در شماره ۸۳۱ انترناسیونال

صفحه ۳

کتاب "من از مذهب رویگردانم"
در باره زندگی و فعالیت های
مینا احدی تجدید چاپ شد

صفحه ۷

اسامی ۱۴۰ نماینده کنگره ۱۱ حزب

صفحه ۸

بزودی منتشر میشود

ضرورت زمانه

مجموعه سخنرانیها و مقالات حمید تقوایی

دیگر بس است!

آغاز بکار کمپین بین المللی
علیه آپارتاید در ایران
این کمپین با امضاء ۵۴
شخصیت سرشناس بین المللی
اعلام موجودیت کرد.

از جمله امضاء کنندگان اولیه این فراخوان، «مینا احدی» چهره سرشناس مبارزه با اعدام و سنگسار و فعال حقوق زنان، «ریچارد داوکینز» چهره سرشناس و محبوب آنتیست و منتقد مذهب از انگلستان، «تسلیماس نسرین» چهره سرشناس و نویسنده دهها کتاب و مقاله از بنگلادش، «میشایل اشمیت سالمون» فیلسوف آلمانی و سخنگوی سازمان جردانو برونو از آلمان، «مریم نمازی» فعال سرشناس مدافع حقوق زن، «اینا شوچنکو» فعال مدافع حقوق زنان از سازمان فم، دکتر «نجال کله ک» از کشور ترکیه، نویسنده و جامعه‌شناس، «شامی حق» خبرنگار و مدافع حقوق زنان، دکتر «جرمو سگال» از دانشگاه سوربن فرانسه، پروفسور دکتر «ماتیاس فرانتس» از دانشگاه دوسلدرف و دهها نفر دیگر تا کنون به این کمپین بین المللی پیوسته‌اند.

صفحه ۳

پیام جعفر عظیم زاده از زندان اوین



پیرامون محکومیت کارگران شرکت
نیشکر هفت تپه، نسرین جوادی
، حسن سعیدی و مرضیه امیری به
زندان و شلاق

صفحه ۲

جعفر عظیم زاده صدای اعتراض مردم علیه شلاق و زندان

شهلا دانشفر

صفحه ۲

برگزیت: انگلستان در گرداب

بحران سیاسی
کاظم نیکخواه

صفحه ۶

کارگران در
هفته ای که گذشت
شهلا دانشفر

صفحه ۴

اصغر کریمی

راهپیمایی کارگران اراک بلوغ جنبش کارگری را به نمایش گذاشت

صفحه ۴

قرار مصوب هیئت اجرایی حزب کمونیست کارگری ایران
درمورد انتساب فعالین به حزب و سازمان جوانان حزب توسط جمهوری اسلامی
تاریخ: ۳ سپتامبر ۲۰۱۹

اخیرا بیدادگاه ها و پلیس امنیتی رژیم اسلامی بازهم فعالینی را در داخل کشور به حزب کمونیست کارگری منتسب کرده است. قصد جمهوری اسلامی آشکارا پرونده سازی و امنیتی کردن فضای فعالیت سیاسی و صنفی در جامعه است. حزب کمونیست کارگری این تشبثات جمهوری اسلامی را همچون گذشته محکوم میکند و اعلام میدارد:

- ۱) عضویت در هر حزب سیاسی و فعالیت سیاسی حق مدنی هر فرد است.
- ۲) حزب کمونیست کارگری در شرایط کنونی انتساب افراد و فعالین سیاسی داخل کشور به این حزب توسط ارگانهای امنیتی رژیم را تکذیب و یا تایید نخواهد کرد.
- ۳) حزب کمونیست کارگری تمامی کارگران و انسانهای شریف را به عضویت در حزب فرامیخواند. به امید آن روز که انقلاب میلیونی کارگران و مردم به جان آمده جمهوری کثیف اسلامی را کاملا ریشه کن کند و جامعه ای را بنا گذارد که در آن همگان از آزادی های بی قید و شرط سیاسی، و حق تشکل و تحزب برخوردار باشند. *

مراسم یاد بود

یکشنبه ۱۵ سپتامبر از
ساعت ۱۳:۳۰ در محل:
Skarpn ck Kulturhus
Skarpn ck alle' 25
12833 Skarpn ck

پس از پایان مراسم حرکت
بطرف مزار غلام کشاورز
برای نصب سنگ سکندری
از ساعت ۱۶

برای اطلاعات بیشتر با
شماره تلفن هرمرزها
۰۰۴۶۷۳۷۸۹۶۵۰۵ تماس
بگیرید!

"کمپین سنگهای سکندری"

اطلاعیه ها:

مجازاتهای سنگین
علیه دستگیر شدگان
اول مه را محکوم میکنیم

مردم مبارز کردستان!
به حمایت از کارگران
زندان، زندانیان سیاسی
و علیه دستگیری ها
برخیزیم!

سرکوب اعتراضات مردمی
در ایران و دستگیری و
مجازات فعالین مدنی و
اجتماعی باید فوراً خاتمه
یابد!

صفحه ۹ و ۱۰



شهلا دانشفر

جعفر عظیم زاده صدای اعتراض مردم علیه شلاق و زندان

است. در بخشی از پیام اخیر جعفر عظیم زاده چنین آمده است: "این چه نظام و چگونه امنیت ملی در این کشور است، که هرگونه حق خواهی و اقدام فردی و جمعی علیه ظلم و ستم و تبعیض و علیه فقر و فلاکت و بی حقوقی از طرف ما کارگران و دیگر حقوق بگیران زحمت کش، اقدام علیه امنیت کشور و تبلیغ علیه نظام حاکم بر آن است؟! این امنیت ملی متعلق به چه کسانی است که این چنین در برابر حق خواهی ما کارگران و خواست اراده دیگر بخش های مردم ایران برای پایان دادن به بی حقوقی سیاسی و مدنی و پایان دادن به فقر و فلاکت قرار دارد! میگوئید سیاهنمایی میکنم؟". جعفر عظیم زاده در این پیام سخن آخرش چنین است: "بدانید و آگاه باشید محکومیت کارگران رنج دیده شرکت نیشکر هفت تپه و مرضیه امیری به زندان و شلاق و کارگر بازنشسته نسرين جوادی که اینک پس از سی سال رنج و محنت و با تنی رنجور و مریض توسط بی دادگاه های شما به دلیل اعتراض به فقر و فلاکت به زندان و حکم قرون وسطایی شلاق محکوم شده است، نه پایانی به اعتراضات بر حق ما کارگران بلکه پایانی بر کار شما ستمگران خواهد بود." سخنان جعفر عظیم زاده تمام حجت کل جامعه علیه بساط سرکوب و جنایت حکومت اسلامی است. *

جعفر عظیم زاده از چهره های سرشناس کارگری و رییس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران که با 6 سال حکم در زندان اوین بسر میبرد، طی پیامی از درون زندان اوین اعتراض خود را علیه تشدید سرکوبگری های حکومت و احکام شنیع زندان و شلاق اعلام کرده است. از جمله او در پیام خود در محکومیت احکام ظالمانه صادره برای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و برای نسرين جوادی از اعضای هیات مدیره این اتحادیه، حسن سعیدی از اعضای سندیکای واحد و مرضیه امیری از دستگیر شدگان روز جهانی کارگر سخن میگوید. جعفر عظیم زاده سه سال قبل نیز همراه با اسماعیل عبدی از رهبران اعتراضات معلمان طی پیامی کيفرخواست خود را علیه امنیتی کردن مبارزات اعلام داشت و کارزاری را اعلام کرد که خواست مشخص آن لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض بود. کارزاری که اجتماعی شد و امروز به گفتمان وسیع مردم تبدیل شده است. جعفر عظیم زاده در هفته گذشته نیز طی بیانیه ای همراه با هفت زندانی سیاسی دیگر در بند 8 اوین بر طرح محرومیت زندانیان از دارو درمان اعلام اعتراض کرد. این چنین است که جعفر عظیم زاده صدای اعتراض زندانیان و صدای اعتراض همه مردم علیه سرکوبگریهای حکومت و احکام شنیع زندان و شلاق

پیام جعفر عظیم زاده از زندان اوین پیرامون محکومیت کارگران شرکت نیشکر هفت تپه نسرين جوادی، حسن سعیدی و مرضیه امیری به زندان و شلاق

چنین در برابر حق خواهی ما کارگران و خواست اراده دیگر بخش های مردم ایران برای پایان دادن به بی حقوقی سیاسی و مدنی و پایان دادن به فقر و فلاکت قرار دارد! میگوئید سیاهنمایی میکنم؟ پس فقط کمی به خود جرات دهید و دادنامه ای را که علیه من به عنوان یکی از فعالین کارگری کشور صادر کرده اید رو به افکار عمومی منتشر کنید.

مگر در بالاترین ستوه مقامات اجرایی و قضایی مدعی نیستید که همه فعالین کارگری و معلمان و دانشجویان و خبرنگاران را که دستگیر و محکوم کرده اید، موضوع پرونده هایشان سیاسی و صنفی نبوده و امنیتی است، پس کمی شهامت داشته باشید و دادگاه های ما را علنی و با حضور هیئت منصفه برگزار کنید و یا حداقل دادنامه هایی را که علیه مان صادر می کنید به خودمان تحویل بدهید.

بدانید و آگاه باشید محکومیت کارگران رنج دیده شرکت نیشکر هفت تپه و مرضیه امیری به زندان و شلاق و کارگر بازنشسته نسرين جوادی که اینک پس از سی سال رنج و محنت و با تنی رنجور و مریض توسط بی دادگاه های شما به دلیل اعتراض به فقر و فلاکت به زندان و حکم قرون وسطایی شلاق محکوم شده است، نه پایانی به اعتراضات بر حق ما کارگران بلکه پایانی بر کار شما ستمگران خواهد بود. *

توسط خبرنگاران، جرمی امنیتی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی است و نیز بار دیگر محرض شد چنانچه مراکز تولیدی بزرگی چون شرکت نیشکر هفت تپه از سوی حکومتگران به غارتگرانی سپرده شوند که هزاران خانواده کارگری را با عدم پرداخت به موقع دستمزد ها در فلاکت و نیازمندی مضاعف و خورد کننده ای غرق سازند هرگونه اعتراضی علیه این جهنم حرکتی امنیتی است و کارگران همچون دوران برده داری باید دسته دسته با زندان و شلاق متنبه شوند.

بر اساس این احکام و احکامی دیگر که سالیان سال علیه کارگران معترض و فعالین کارگری و معلمان و دیگر بخش های معترض جامعه از سوی دادگاه های انقلاب صادر شده است، هرگونه حرکت جمعی و تلاش برای تشکل یابی و یا دست بردن به اعتصاب و تجمع و شرکت در آنها جهت دستیابی به ابتدایی ترین مطالبات صنفی و مدنی اقدام علیه امنیت کشور و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی است. این چه نظام و چگونه امنیت ملی در این کشور است، که هرگونه حق خواهی و اقدام فردی و جمعی علیه ظلم و ستم و تبعیض و علیه فقر و فلاکت و بی حقوقی از طرف ما کارگران و دیگر حقوق بگیران زحمت کش، اقدام علیه امنیت کشور و تبلیغ علیه نظام حاکم بر آن است؟! این امنیت ملی متعلق به چه کسانی است که این

چندین برابر شدن هزینه های بقا و نفس کشیدن در مدت کوتاه یک سال گذشته آن هم در شرایطی که بدون این فاجعه ی بزرگ نیز، میلیون ها خانواده کارگری و حقوق بگیر زحمت کش در نتیجه سیاست های ضد کارگری و ویرانگرانه ی اقتصادی حکومتگران در شرایط معیشتی سخت و طاقت فرسای گرفتار بودند، نه تنها باعث استعفا و یا شرمساری و کوتاه آمدن سیستم حاکم در مقابل اعتراضات حق طلبانه کارگری نشد، بلکه نهاد های امنیتی انتظامی با تشدید سرکوب، ده ها کارگر معترض را در طول ماه های گذشته بازداشت و احکام ظالمانه ای را علیه کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و شرکت کنندگان در مراسم روز جهانی کارگر در مقابل مجلس صادر کردند.

کارگر بازنشسته "نسرين جوادی"، "حسن سعیدی" کارگر شرکت واحد و "مرضیه امیری" خبرنگار روزنامه شرق را با وارد کردن اتهامات سنگین امنیتی به زندان های طویل المدت محکوم و به طور بی شرمانه ای اقدام به صدور حکم قرون وسطایی شلاق علیه نسرين جوادی، مرضیه امیری و هیجده کارگر شرکت نیشکر هفت تپه کردند.

با صدور این احکام ظالمانه بار دیگر بیش از پیش روشن شد در این مملکت، برگزاری و شرکت در مراسم روز جهانی کارگر و بالا بردن پلاکاردهای مطالباتی و حق طلبانه از سوی کارگران و تهیه و انعکاس اخبار آن

توضیح سردبیر در مورد مقاله "چرا انقلاب ۵۷ شکست خورد"

در شماره قبل مقاله ای تحت عنوان "چرا انقلاب ۵۷ شکست خورد" بقلم بهزاد مهرآبادی چاپ شد که از جانب رفقای مختلفی از هیات اجرایی و برخی از کادرهای حزب مورد انتقاد قرار گرفت. من بعنوان سردبیر انترناسیونال می پذیرم که این نوشته نمی بایست در نشریه انترناسیونال چاپ میشد. مسئولیت این اشتباه تماما بعهده من است. در این مورد توضیحات زیر را لازم میدانم.

نوشته علیرغم یادآوری رویدادهای سیاسی مهمی از دوره بعد از انقلاب ۵۷ در توضیح علل پیروزی دار و دسته خمینی دقت لازم را ندارد و میبایست اصلاح میشد. این ایراد به کار من بعنوان سردبیر مربوط میشود و من مسئولیت این ایراد را می پذیرم.

نکته دیگر اینکه خود نویسنده بعد از تذکرات من اصلاحاتی را در نوشته وارد کرده بود اما اشتباه نسخه اولیه منتشر شد و این هم باعث شد برخی تزه‌های اشتباه که در نوشته بود، سر جای خود باقی بماند.

به هر رو در مورد انقلاب ۵۷ فقط اینقدر اشاره کنم که نیروهای سیاسی قاعدتا قبل از هر انقلابی باید بار خود را بسته باشند و در کوران انقلاب نیز دقیق عمل کنند. قبل از انقلاب ۵۷ چه اساسا به دلیل سرکوب سیاسی و دیکتاتوری آریامهری ای که گورستان آریامهری را بر جامعه حاکم کرده بود و بیشترین ضربات

را به چپ وارد کرده بود، از جریان اسلامی که دست بازی در دوره شاه داشت و در تمام زوایای اجتماعی نفوذ کرده بود، عقب افتاده بود و دچار ضعفهای جدی بود و با هیچ درجه از درایت نمیتوانست رهبری انقلاب را بدست گیرد. اما اگر درست عمل کرده بود میتوانست سنگرهای محکمی را علیه ارتجاع اسلامی ایجاد کرده و در تحولات بعدی نقش اساسی تری ایفا نماید و مانع سرکوبهای سیاسی بعدی شود و غیره. نکته مهمتر اینکه توطئه قدرتهای سرمایه داری جهانی در حمایت و تقویت خمینی و اسلامی ها و جریان مشهور کنفرانس گوادلوپ در این نوشته بدرجه زیادی غایب است و بهمین دلیل تلاش میکند قدرت گیری اسلامی ها و خمینی را صرفا به درایت و سبک کار هوشیارانه خمینی و رهبران اسلامی و ضعف رهبری چپ مربوط کند. این توضیح درستی برای تحولات ۵۷ نیست. نادقیقی ها دیگری هم در نوشته هست که جای بررسی تک تک نکات در اینجا نیست.

این مقاله برخلاف تیتر آن تحلیلی از علل شکست انقلاب ۵۷ نیست و نباید با این عنوان منتشر میشد. این نوشته بر تجربه مشخص یکی از فعالین چپ در انقلاب ۵۷ است که تلاش کرده است با عزیمت از متد سلبی - اثباتی تحولات آن دوره را ارزیابی کند. عنوان مطلب باید همین نکته را بیان میکرد. این نوشته علیرغم ضعفها و ایراداتش حاوی نکات درست و مثبتی در مورد تحولات و موقعیت چپ در آن دوره هست. بخصوص از نقطه نظر خصوصیات و مکانیسم سلبی روند انقلاب ۵۷ تصویر

دیگر بس است! کمپین جهانی پایان بخشیدن به آپارتاید جنسی در ایران!

اروپایی موقع سفر به ایران در مقابل آیت الله ها و مقامات این حکومت حجاب به سر میکنند. دنیا آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی را نپذیرفت و یک تجربه درخشان در تاریخ بشری مقابله متحدانه مردم دنیا علیه حکومت آپارتاید نژادی بود. ما از همه مردم دنیا میخواهیم که علیه حکومت آپارتاید جنسی در ایران نیز متحدانه بپا خیزند و همه باهم در کنار مردم ایران اعلام کنیم که دیگر بس است! اعلام کنیم که کنار زنان شجاع، آزاده و سرکش ایرانی ایستاده و از دولت های مختلف میخواهیم این حکومت را برسمیت نشناسند.

ما کارزار علیه آپارتاید جنسی در ایران را اعلام میکنیم و کلیه نهادها و فعالین حقوق زن، فعالین سکولار، احزاب و سازمانها و نهادهای مترقی و همه مخالفین تبعیض و مخالفین حکومت آپارتاید جمهوری اسلامی را به پیوستن به آن دعوت میکنیم. میتوانیم و وظیفه داریم همراه با مردم ایران، همراه با زنان آزاده و جسور در ایران به آپارتاید جنسی در ایران پایان دهیم.*

زندان محکوم کرده و هفت زن مدافع حقوق زنان و سازمان دهنده جلسات سخنرانی در دفاع از حقوق زنان را به شلاق و زندانهای دراز مدت محکوم کرده است.

اما امروز بسیاری از مردم در اقصی نقاط جهان میدانند که زنان در ایران در مقابل همه این قوانین و مقررات ارتجاعی ایستاده و در همه عرصه ها، فرهنگ و سنتهای برابری طلبانه و انسانی را در عمل پیاده میکنند. دختران خیابان انقلاب که حجابها را بر چوب کرده و با صدای بلند به حجاب اجباری نه گفتند، زنانی که برای ورود به ورزشگاهها مبارزه میکنند، زنانی که در دانشگاهها، در محیط کار و فعالیت اجتماعی فعالانه حضور دارند و زنانی که برای حق طلاق مبارزه میکنند و یا شبکه های بزرگ دفاع از حقوق انسانی و مبارزه با خشونت را سازمان داده اند.

آنچه برای ما جای خشم دارد و باور کردنی نیست، اینست که چنین حکومتی در مجامع بین المللی به رسمیت شناخته میشود، دول غربی مقاماتش را به کشورشان دعوت میکنند و مقامات زن کشورهای

در ایران چهل سال است که رسماً و قانوناً یک آپارتاید کامل جنسیتی حاکم است. باور کردنی نیست که هنوز در قرن بیست و یک، رژیم در کشوری حکومت میکند که رسماً زن را نصف مرد میداند، جداسازی میکند، حق طلاق را فقط به مرد میدهد، چند همسری را برای مردان قانونی و تبلیغ میکند، ممنوعیت های همه جانبه ای در عرصه ورزش و موسیقی و تحصیل و قضاوت، بر علیه زنان اجرا میکند. زنان را مجبور میکند از در عقب اتوبوس سوار شوند، ازدواج کودکان دختر را قانونی کرده و با تحقیر هر روزه در رسانه های رسمی و مساجد و مدارس و دانشگاه ها، به میلیونها زن توهین میکند و آنها را شایسته تحقیر و تحمیل خشونت مرد سالارانه دانسته و حتی قتل زنان سرکش و سنت شکن را تبلیغ میکند.

این حکومتی است که چهل سال است با شلاق و اسید و پونز سعی در تحمیل حجاب اجباری میکند و زندانبانیش مملو از زنان معترض و قانون شکن است. این حکومت در آخرین شاهکارش، سه زن را بدلیل بی حجابی به ۵۰ سال

ملموسی از تحولات آن دوره بدست میدهد. از نظر فاکت ها خود نویسنده اشاره کرده است که با توجه به گذشت زمان برخی از آنها ممکن است دقیق نباشند. برخی عبارات و جمله بندیها نیز اشکالاتی دارند.

نکته دیگر اینکه خمینی و طرفدارانش بخاطر هنر سازماندهیشان نبود که نفوذ پیدا کردند - چپ در همان زمان هم سازمانده بسیار بهتری از نیروهای راست بود. گذشته از معماری دول و رسانه

های غربی که بالا تر اشاره شد، از نظر اجتماعی اساسا در یک سطح استراتژیک بخاطر دست بالا داشتن جنبش ملی اسلامی در تمام دوره سلطنت شاه و مشخصاً و بویژه بعد از ۲۸ مرداد ۳۲، و در سطح تاکتیکی بخاطر پافشاری خمینی بر کنار زدن شاه و سلطنت بود که خمینی به جلوی صف رانده شد (این نکته در بحث سلبی اثباتی به تفصیل توضیح داده شده است). اگر این زمینه جنبشی و اجتماعی نبود هیچ کنفرانس گوادولوپ

ملموسی از تحولات آن دوره بدست میدهد.

از نظر فاکت ها خود نویسنده اشاره کرده است که با توجه به گذشت زمان برخی از آنها ممکن است دقیق نباشند. برخی عبارات و جمله بندیها نیز اشکالاتی دارند.

نکته دیگر اینکه خمینی و طرفدارانش بخاطر هنر سازماندهیشان نبود که نفوذ پیدا کردند - چپ در همان زمان هم سازمانده بسیار بهتری از نیروهای راست بود. گذشته از معماری دول و رسانه

های غربی که بالا تر اشاره شد، از نظر اجتماعی اساسا در یک سطح استراتژیک بخاطر دست بالا داشتن جنبش ملی اسلامی در تمام دوره سلطنت شاه و مشخصاً و بویژه بعد از ۲۸ مرداد ۳۲، و در سطح تاکتیکی بخاطر پافشاری خمینی بر کنار زدن شاه و سلطنت بود که خمینی به جلوی صف رانده شد (این نکته در بحث سلبی اثباتی به تفصیل توضیح داده شده است). اگر این زمینه جنبشی و اجتماعی نبود هیچ کنفرانس گوادولوپ

کارگران در هفته ای که گذشت

اعلام کنیم که تحصیل رایگان یک حق پایه ای شهروندی است و اخاذی از خانواده های دانش آموزان از جمله گرفتن شهریه باید ممنوع گردد. در عین حال بخش مکمل تحصیل رایگان، رایگان بودن کتابهای درسی و تمام لوازم تحصیل است. و با در جاهایی که دوری مدرسه مانع ایاب و ذهاب کودکان و رفتن به کلاس درس میشود، دولت موظف به تامین سرویس رایگان ایاب و ذهاب کودکان است و کودکان باید از یک وعده غذای گرم برخوردار باشند. ضمین اینکه تمامی این حقوق باید شامل کودکان افغانستانی و تمامی شهروندانی که از کشورهای دیگر به ایران آمده اند نیز بشود. مهمتر اینکه تحصیل رایگان یعنی ممنوعیت کار کودکان و تامین خانواده های آنها که ناگزیز نشوند کودکانشان را از تحصیل بیرون بکشند و راهی کار کنند. دولت در قبال مردم مسئول است.

خواست ما مردم، آموزشی مدرن، شاد، سکولار و انسانی است

جدا از خواست رایگان شدن آموزش، جدال دیگر مردم بر سرها کردن کودکان از شر دست اندازی مذهب و نهادهای مذهبی در امر آموزش و بر سر داشتن مدارس شاد و انسانی برای کودکان است. از جمله اعزام گله های آخوند به مدارس، تورهای مذهبی راهیان نور و فجایعی که با خود همراه

داشته است، تفکیک جنسیتی در مدارس و تحمیل حجاب بر کودکان، همه و همه موضوعات اعتراض مردم در برابر حکومت اسلامی است. دست مذهب باید از سر کودکان کوتاه شود. بنابراین خواست ما جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش است. خواست ما پایان دادن به کالایی کردن و طبقاتی شدن آموزش و شرایط یکسان آموزشی برای همه کودکان بر اساس استانداردهای علمی امروز بشری است. خواست ما مدرسی شاد، امن، مدرن و انسانی است. خواست ما برچیده شدن بساط آپارتاید جنسی در مدارس و منع حجاب برای کودکان است. این ها همه باید گفتمان های ما در سطح جامعه باشد.

ما خواهان مدارس امن و بازسازی شده با تجهیزات ایمنی لازم هستیم

مدارس نا امن هر سال دارد قربانی میگردد. خطر ریزش آوار بر روی سر کودکان، عدم تجهیز مدارس به ایمنی کافی در برابر سرما و از جمله خطر وقوع آتش سوزی در مدارس تهدیداتی جدی برای کودکان در هزاران مدرسه است. ابعاد این فاجعه وقتی بیشتر میشود که در همین "کلاس" های درس تعداد دانش آموزان تا سه برابر گنجایش واقعی آن است. در مناطق زلزله زده و سیل زده وضع بسیار فاجعه بار تر از اینهاست. یک خواست مبارزاتی معلمان بازسازی و امن کردن فوری مدارس است. خلاصه کلام اینکه شروع سال تحصیلی جدید فرصتی

اصغر کریمی راهپیمایی کارگران اراک بلوغ جنبش کارگری را به نمایش گذاشت

شعار غرای "زنده باد هپکو" و سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی" که توسط کارگران آذرباب در راهپیمایی روز پنجشنبه ۱۴ شهریور در خیابان های اراک طنین انداخت یکی از لحظات باشکوه جنبش کارگری است که نشان میدهد طبقه کارگر استوار و قدم به قدم جلو میاید، سنگرهای اتحاد و همبستگی را تحکیم میکند و عزم خود را برای پایان دادن به ستم به نمایش میگذارد.

کارگران هپکو بار دیگر هفته قبل به میدان آمدند و به مفتخوران حاکم ده روز التیماutom دادند. کارگران آذرباب در این فاصله دست به راهپیمایی زدند و حمایت قاطع خود را از کارگران هپکو اعلام کردند. سرود دو سال قبل آنها را در خیابان های اراک تکرار کردند و نشان دادند که چگونه، علیرغم همه فشارهای امنیتی که قبل از هرکس برای عقب راندن طبقه کارگر ساخته و پرداخته شده است، راه خود را به جلو باز میکنند، صفوف خود را فشرده تر میکنند و فضای شهر را تسخیر میکنند. کارگران هپکو دو سال قبل دست به راهپیمایی های تاریخی زدند، خانواده های خود را بسیج کردند و در خیابان های شهر با سرود زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، خشم خود را به نظام، مفتخوران و سرکوبگران نشان دادند. یک سال بعد کارگران هفت تپه نه تنها خانواده ها بلکه مردم شهر را به میدان آوردند و با شعار اداره شورایی، و هماهنگ با کارگران فولاد اهواز سنگرهای دیگری را فتح کردند و همبستگی جامعه تشنه آزادی را جلب کردند. و

در روزهای گذشته باز هم کارگران هپکو، اینبار دوش به دوش کارگران آذرباب جامعه را متوجه خود و قدرت طبقاتی خود کرده اند.

اما جای خانواده ها که کلید به حرکت درآوردن مردم شهر اراک است در راهپیمایی های کارگران هپکو و آذرباب اینبار خالی بود. تردیدی نیست که اهمیت این مساله را خودشان میدانند، شاید نگران عکس العمل تند و زودرس سرکوبگران بوده اند. اما این فاکتور قابل صرفنظر کردنی نیست. کارگران هفت تپه با قدرت اعتراضات خود که از جمله بدلیل بسیج خانواده ها و مردم شهر بود، زمینه راهپیمایی امروز کارگران اراک را فراهم کرده اند همانطور که کارگران هپکو زمینه پیشروی را برای کارگران هفت تپه و فولاد آماده کرده بودند. راهی جز پیشروی و استفاده قاطع از تجارب قبلی در مقابل ما نیست. راهی جز نشان دادن قدرت اعتراض و نیرویمان در مقابل ما نیست. امروز بیش از دو سال قبل مردم اراک و کل جامعه در کنار کارگران قرار گرفته است. رهبری طبقه کارگر بر جنبش سرنگونی و آزادیخواهی مردم درسالهای گذشته مسجل تر شده است. جامعه در آستانه انفجاری عظیم است و کارگران هپکو و آذرباب و همینطور کارگران کنتورسازی در مجاورت آنها که یک هفته است در اعتصاب و اعتراض به سر میبرند، از فضای مساعدی برای همراه کردن مردم شهر چشم دوخته است، به نیروی کارگر باور کرده است، و با همراهی با کارگران میتواند سرکوبگران را زمینگیر کند. راهی جز این در مقابل ما نیست. امیدوارم کارگران هپکو و آذرباب از هر فرصتی برای پیشروی استفاده کنند.

شهلا دانشفر

کارگران در هفته ای که گذشت

اعتراضات گسترده کارگری صحنه ای شورانگیز از همبستگی کارگری



در خیابان مارش رفتند. در میدان مرکزی شهر تجمع کردند و بعد نیز با پهن کردن سفره خالی و شعار دادن صدای اعتراضشان را به فقر و بی تامینی بلند کردند. وضعیت در دیگر کارخانجات شهر همچون آوانگان نیز بر همین روال است و شهر اراک بار دیگر به جنب و جوش در آمده است. کارگران هپکو و اراک همواره پیشتاز مبارزات کارگری بوده اند. به نشانه همبستگی با این کارگران سرود فراموش نشدنی کارگران هپکو، سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی" را باید در همه سر داد و زندگی ای شاد و انسانی را فریاد زد. مبارزات کارگران هپکو و آذربایباید مورد حمایت وسیع مردم قرار گیرد.

سال تحصیلی جدید آغاز میشود

دو هفته بیشتر به بازگشایی مدارس باقی نمانده است. با بازگشایی مدارس ۱۳ میلیون دانش آموز در مقاطع مختلف تحصیلی به مدرسه میروند. بیش از یک میلیون معلم و کارمند دولتی نیز کار خود را آغاز میکنند. نکته اینجاست که شروع سال تحصیلی در ایران امری روتین و معمول در جامعه نیست. فقر و فلاکت و بی تامینی بدرجه ای رسیده است که برای فرستادن کودکان به مدرسه نیز جدالی جاریست. میگویند بوی ماه مهر" با "گرانی نوشت افزار" می آید،

است. از جمله معلمان با مبارزات درخشانان خصوصا در سه سال اخیر در اشکالی چون اعتصاب و تحصن سراسری در مدارس و نیز تجمعات اعتراضی شان نقش مهمی در جلو بردن کارزار برای رایگان شدن آموزش و پرورش را داشته اند. همچنین ممنوعیت کار کودکان و حق تحصیل رایگان موضوع مهم کمپین های حمایت از حقوق کودک و نهادهای تشکلهای دفاع از حقوق کودک بوده است. یک نمونه اخیر از این دست کارزارها، کارزار" نه به جمع آوری اجباری کودکان کار" با تاکید بر خواست تحصیل رایگان بوده است. نمونه دیگرش فراخوانی است که از سوی نهادهای گروههای مختلف معلمان خطاب به خانواده ها و همه مردم تحت عنوان "شهریه ندهید، آموزش باید رایگان باشد" داده شده بود و گفتمان وسیعی را بر سر این موضوع به راه انداخت.

همراه با تاکید بر خواست رایگان بودن آموزش، معلمان در اعتراضاتشان با شعار آموزش را کالایی نکنید و نه به خصوصی سازی ها اعتراض خود را بر طبقاتی شدن آموزش و پرورش اعلام کرده و بر یکسان و برابر بودن آموزش برای همه کودکان و با استانداردهای انسانی تاکید کرده اند. این چنین است که معلمان در مبارزاتشان اعتراض کل جامعه را نمایندگی کرده و در مبارزاتشان توانسته اند بخش های مختلفی از مردم و خانواده های دانش آموزان را همراه خود کنند. با اتکاء به این پیشروی ها باید به استقبال شروع سال تحصیلی برویم و در مدارس را به روی همه کودکان باز کنیم. شروع سال تحصیلی در عین حال یادآور مشکلات

رسانه های حکومتی از افزایش ۲ تا ۴ برابری وسایل مدرسه و نوشت افزار می نویسند، در بحثها و نگرانی ها سخن از تفاوت چندبرابری قیمت "لوازم التحریر محرومیت بخش لاچرری" و محرومیت حتی از بزرگی از کودکان حتی از همان حداقل ها و راه یابی به مدرسه اند. بدین ترتیب در حالیکه فقر بیداد میکند، افزایش قیمت ها سرسام آور است و با نزدیک شدن شروع سال جدید قیمت نوشت افزار و لوازم تحصیل افزایش چند برابری داشته است، بخش عظیمی از مردم با دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و معضل نپرداختن دستمزدها دست به گریبانند و بیکاری و بی تامینی بیداد میکند، کودکان بیشتری قربانی این شرایط جهنمی شده و از تحصیل باز می مانند و راهی کار خیابان میشوند. آمار دقیقی از کودکان محروم از تحصیل در دست نیست. اما گزارشات از ارقام هفت میلیون، هشت میلیون سخن میگویند. حال به این رقم، کودکان محروم از تحصیل افغانستانی مقیم ایران، کودکان محروم از تحصیل در روابط صیغه ای به دنیا آمده و فاقد " هویت و شناسنامه " هستند و بسیاری از کودکان در روستاها که از تحصیل محرومند را اضافه کنید، ابعاد هولناک این فاجعه اجتماعی مقابل ما قرار میگیرد.

اما در برابر این فاجعه بزرگ جامعه ساکت نیست و دارد سرسختانه از زندگی و معیشتش و برای داشتن یک زندگی انسانی دفاع میکند. امروز بیش از هر وقت خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان به خواست مبارزاتی مردم تبدیل شده و کارزارهای وسیعی در جریان

عظیم دانشجویان و دانشگاهها نیز هست. دانشجویان بسیاری هستند که بخاطر شهریه دانشگاه ناگزیر به ترک تحصیل میشوند. هزینه خوابگاهها و غذای دانشگاهها هر سال گرانتر میشود. بسیاری از دانشجویان بخاطر فقر خانواده اینکه ناگزیرند که دوازده ساعت در روز کار کنند و با دشوار تحصیل خود را ادامه میدهند. از همین رو دانشجویان، معلمان، خانواده های دانش آموزان و فعالین دفاع از حقوق کودک و در واقع کل جامعه نیروی اعتراض در کارزار برای تحصیل رایگان در تمام سطوح آموزشی و برای داشتن آموزشی انسانی، مدرن و سکولار در سطح جامعه هستند. شروع سال جدید تحصیلی فضای اعتراض در جامعه را تشدید کرده و نیروی وسیعتری وارد این نبرد میشوند. این نیروی مبارزاتی را وسیعا باید متحد کرد.

هم اکنون معلمان دارند قرار ومدار ادامه اعتراضاتشان برای سال جاری را میگذارند. اعتراض در دانشگاهها نیز در رابطه با سطح بالای شهریه ها و امکانات زیستی چون خوابگاهها و غیره مدتیست که در جریان است. برای فرستادن کودکانمان به مدرسه تمام نیروی خود را بسیج کنیم و متحدانه در برابر اخاذی های مدارس بایستیم و با تجمع کردن در مقابل مدارس و مراکز آموزش و پرورش و به اشکال مختلف فریاد اعتراضمان را بلند کنیم و اعلام کنیم که جای کودکان ما مدرسه است. و از مبارزات و خواستههای معلمان که پرچمدار این مبارزه هستند، وسیعا حمایت کنیم. با صدای بلند و در همه جا ادامه در صفحه ۵

کاظم نیکخواه برگزیت: انگلستان در گرداب بحران سیاسی



بوریس جانسون نخست وزیر دست راستی انگلستان طی دو روز گذشته شکستهای سختی را در پارلمان این کشور متحمل شد. این شکست در تاریخ انگلستان و کلا اروپا یک اتفاق مهم و حیاتی بود. زیرا دست یک باند فاشیستی و دست راستی را برای عملی کردن پروژه های خطرناکی که از برگزیت بسیار فراتر میرفت بست و پروژه هایش را نقش بر آب کرد.

او با شیوه هایی که یادآور شیوه های قدرت گیری هیتلر در پارلمان آلمان بود، به قدرت رسید و به همین روال تلاش کرد خط راست و فاشیستی خود را پیش ببرد و طرحهایی را در آستین داشت که نمونه هایی از آن که افشا شد نظیر ممنوعیت حرکت آزاد پناهندگان و شهروندان اروپا در انگلستان، کاملاً با سیاستهای نازیسم هیتلری همخوانی داشت. جانسون تصمیم گرفت از اختیاراتی که قوانین انگلستان برای معلق کردن پارلمان به نخست وزیر داده است استفاده کند و پارلمان را برای مدت پنج هفته تا ۱۴ اکتبر تعطیل کند و از این طریق خود را از مانع مخالفت پارلمان با خروج بدون توافق (No deal) Brexit خلاصی کند. هدف او این بود که پارلمان فرصت بررسی طرح مخالفت با خروج بدون توافق را پیدا نکند. تصمیم به معلق کردن یا بستن موقت پارلمان همچنان در جای خود باقی است و ملکه انگلیس با این به رای گذاشت. اما اینجا هم

او شکست خورد و انتخابات زودرس رای نیلورد. او قبل از این نمایندگانی را که علیه او رای داده بودند طبق قانون از کاندید شدن در دور انتخابات بعدی محروم کرده بود. این نمایندگان که اکثر از اعضای سرشناس و قدیمی حزب محافظه کار هستند با تصمیم بوریس جانسون از کاندید شدن مجدد در انتخابات بعدی محروم شده اند و عملاً کاری سیاسی آنها پایان می یابد. و این ضربه ای به زندگی سیاسی این نمایندگان و هم ضربه جدی ای به حزب محافظه کار خواهد بود که از کاندیداهای سرشناسی محروم میشود و در نتیجه به احتمال زیاد بازنده انتخابات بعدی خواهد بود. در آخرین خبرها اعلام شد که جو جانسون برادر بوریس جانسون نیز که از نمایندگان حزب محافظه کار بود، امروز ۵ اکتبر از نمایندگی مجلس استعفا داده است و این ضربه دیگری به بوریس جانسون و حزب محافظه کار است که دو روز پیش با پیوستن فیلیپ لی یکی از نمایندگان محافظه کار به حزب لیبرال دموکرات اکثریت خود را در پارلمان از دست داده بود. فیلیپ لی در سخن پارلمان اعلام کرد که حزبی که او زمانی به او پیوسته بود با حزب کنونی که محل بازی پوپولیسم و ناسیونالیسم انگلیسی شده است متفاوت بود و از این حزب استعفا میدهد. اکنون طرح تصویب شده در مجلس عوام باید توسط مجلس لردها تایید شود و قرار است تا فردا جمعه ۶ اکتبر این روند نیز خاتمه یابد. شکست بوریس جانسون به یک کابوس سیاسی که جناح فاشیستی حزب محافظه کار بالای سر جامعه و کل اروپا قرار داده بود،

عجالتاً پایان داد. اما واقعیت بحران عمیق و ریشه دار سیاسی در انگلستان و ایضا در اروپا را آشکارا جلوی چشم گذاشت. اکنون تنها راهی که جلوی پای بوریس جانسون میماند اینست که استعفا دهد. زیرا او چندین بار تاکید کرده است که به این تصمیم یعنی الزام تمدید مهلت برگزیت تن نخواهد داد. او احتمالاً در هفته های آتی تلاش مذبوحانه ای خواهد کرد که با اتحادیه اروپا به توافقی نمیشی هم که شده دست یابد اما روشن است که راه بسادگی برای این کار هموار نیست و در نتیجه در هفته های آینده ناچار است همچون سلف خود ترزا می از دولت استعفا دهد. سرنوشت برگزیت برگزیت در واقع از ابتدا نیز ایده و طرح بوریس جانسون بود. او بشدت بر دولت کامرون فشار می آورد که خروج از اتحادیه اروپا را به رفراندوم بگذارد. کامرون که خود با خروج از اروپا موافق نبود مطمئن بود که اگر طرح خروج را به نظر سنجی بگذارد مردم به آن رای منفی خواهند داد. اما آنجا هم دار و دسته بوریس جانسون به شیوه های توطئه گرانه ای یک مشت تبلیغات دروغ را به جامعه پمپاژ کردند و با هزینه کردن پولهای گزاف نهایتاً با تفاوت دو در صد برگزیت رای آورد. این یک اتفاق غیر منتظره و یک شوک جدی به بخش اعظم بریتانیا بود. با شکست بوریس جانسون در روزهای اخیر یعنی روزهای سوم و چهارم اکتبر، سرنوشت برگزیت نیز بطور جدی زیر سوال رفته است. به احتمال زیاد اوضاع به انتخابات زود رس خواهد

رسید. به این شکل که بوریس جانسون استعفا میدهد و کس دیگری از حزب محافظه کار مامور کابینه میشود و او هم بعد از مدتی به بن بست خواهد رسید و نهایتاً کار به انتخابات پارلمانی زودرس میرسد. در انتخابات زودرس یک احتمال اینست که حزب لیبر به رهبری جرمی کوربین که خود را چپ و مارکسیست میداند با اکثریت ضعیفی برنده شود و کوربین مامور تشکیل دولت و انجام برگزیت گردد. کوربین از "برگزیت خوب" دفاع میکند که آنرا به معنای دفاع از حقوق شهروندان در این طرح معنی میکند. اما بخش اعظم حزب لیبر با برگزیت مخالفند. بطور واقعی برگزیت خوب معنی ندارد و طرحی را که اساس آن ناسیونالیستی و راست است نمیتوان با هیچ سریشمی مردمی و چپ کرد. به این دلیل کوربین یا هر کس دیگری که سرکار باشد ناچار است نهایتاً به آرای مردم مراجعه کند و مردم بعد از اینهمه تجربه منفی که از برگزیت دیده اند به احتمال قوی به لغو برگزیت رای خواهند داد. این بهترین پایانی است که بر این کابوس سیاسی قابل تصور است. نکته ای که هست اینست که برگزیت جامعه انگلیس را از بالا تا پایین دو شقه کرده است و کل ریاکاری و توطئه گری و غیر آزاد بودن دموکراسی پارلمانی و سیستم حاکم را برای مردم افشا کرده است. این تنها خاصیت مثبت برگزیت تاکنون برای مردم بوده است. اگر سیاستمداران حاکم ناچار شوند با رفراندوم مجدد برگزیت را کنار بگذارند، از نظر طبقه حاکم انگلیس یک سنت گذاری خطرناک خواهد

کتاب "من از مذهب رویگردانم" در باره زندگی و فعالیت های مینا احدی تجدید چاپ شد

کتاب مینا احدی با عنوان "من از مذهب رویگردانم، در اوت ۲۰۱۹ در انتشاراتی آلیبری به چاپ رسید. روی جلد این کتاب بقلم میشاییل اشمیت سالمون فیلسوف آلمانی نوشته شده " اگر میخواهید طریق مبارزه درست با جنبش اسلامی و جنبش دست راستی ها در اروپا را بشناسید، به مبارزات و فعالیتهای مینا احدی دقت کنید"

نسخه اول این کتاب در سال ۲۰۰۸ از طرف انتشاراتی هاینه چاپ شد و اکنون با هفتاد صفحه اضافی و با نگاهی به فعالیتهای ده سال گذشته مینا احدی تجدید چاپ شد.

یک بخش از کتاب به مبارزات مینا احدی علیه جنبش اسلامی و دست راستی ها در اروپا اختصاص دارد. مبارزاتی که نقد درست به اسلام سیاسی و جایگاه مبارزات مردم در کشورهای اسلام زده و بویژه عطف توجه به جنبش های اعتراضی مدرن و مترقی، جنبش کارگری و جنبش نوین زنان را در سرلوحه خود قرار داده است.

این کتاب مروری است بر تاریخ اخیر ایران، چگونگی روی کار آمدن حکومت اسلامی و به شکست کشاندن انقلاب ۵۷ و چگونگی سرکوب مردم و قتل عام دهه شصت و سپس مروری بر شکل گیری نطفه های یک انقلاب و مبارزه نوین علیه حکومت اسلامی ایران با همه فراز و نشیب ها و مباحثات داغ در بین چپها و بین مردم.



مینا احدی بدقت در این کتاب توضیح میدهد که جنبش نوین زنان در ایران چگونه شکل گرفت و تا به امروز چگونه پیشروی کرده است. و جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی دیگر با تاثیر پذیری از نگرش و نقش یک کمونیست برجسته و مهم در ایران منصور حکمت، چگونه توانستند در ایران تحت حاکمیت حکومت فاشیست و سرکوبگر اسلامی، خود را متشکل کرده و با چهره ها و شخصیت های سرشناس و محبوب در مقابل حکومت اسلامی قد علم کنند.

احدی در کتابش نماینده این مبارزات و این نقد عمیق به حکومت اسلامی و سیستم سرمایه داری است، سیستمی که حکومت اسلامی را در مقابل یک انقلاب سرکار میآورد و تا همین امروز از موجودی و دوام و بقای آن دفاع میکند. نقد به سیاست مماشات جویانه اتحادیه اروپا و دولتهای غربی با حکومت اسلامی یک بخش این کتاب است و خواست تحریم دیپلماتیک حکومت آپارتاید جنسیتی در ایران در آن مطرح میشود. یک نکته جالب در مورد

کتاب مینا احدی اینست که در این کتاب سرگذشت ده نفر از محکومین به اعدام و سنگسار چاپ شده است. مینا احدی میگوید؛ زندگی او با سرنوشت آنان عجین است. در کتاب مینا احدی در سال ۲۰۰۸ سرگذشت زنان و مردان محکوم به سنگسار نوشته شده و او اکنون در چاپ دوم کتابش نوشته است که ۹ نفر از محکومین به سنگسار اکنون زنده هستند و متأسفانه یک نفر اعدام شده است. او می نویسد سنگسار در ایران تحت فشار مردم دنیا، عملاً ملغی شده و حکومت اسلامی دیگر جرات نمیکند کسی را سنگسار کند. این یک دستاورد مهم مبارزات احدی در ده سال گذشته است.

در آلمان مینا احدی اکنون یک چهره سرشناس است. وی در دانشگاهها و در جاهای دیگر نه فقط در نقد حجاب و جنبش اسلامی و جدایی مذهب از دولت و ممنوعیت حجاب کودکان، مینویسد و سخنرانی میکند، بلکه اخیراً او در معرفی کمونیزم کارگری در ایران و تزه های منصور حکومت سخنرانی میکند و در سالن هایی با بیش از ۴۰۰ نفر جوان و دانشجو از تجربیات کمونیزم در ایران حرف میزند

و با سرنگونی حکومت اسلامی در ایران سر این مار اسلام سیاسی را زیر پا له خواهیم کرد و آنگاه دنیا خواهد دید در ایران چه جنبش عمیق و نقاد و مدافع مدرنتیه و حقوق انسانی در جریان است که یک دنیا سمپاتی بخود جلب خواهد کرد و در منطقه خاورمیانه دوران دیگری شروع خواهد شد.*



اسامی نمایندگان کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران

انتخابات نمایندگان کنگره ۱۱ حزب کمونیست کارگری ایران در دو مرحله سراسری و محلی انجام شد. در مرحله سراسری ۱۰۰ نماینده و در مرحله محلی ۴۰ نماینده از واحدهای تشکیلات حزب انتخاب شدند. اسامی ۱۴۰ نماینده کنگره ۱۱ حزب به ترتیب حروف الفبا درج می‌گردد.

از سوی هیئت برگزاری انتخابات کنگره ۱۱ حزب کمونیست کارگری ایران
سیامک بهاری
۲ سپتامبر ۲۰۱۹

۱- ایرج آبشار	۳۴- فاتح بهرامی	۵۹- پری رشیدی	۸۴- نازنین صدیقی	۱۰۹- عزیزه لطف‌اللهی
۲- داود آرام	۳۵- آذر پویا	۶۰- ایرج رضایی	۸۵- داریوش صفا	۱۱۰- عباس ماندگار
۳- فریده آرمان	۳۶- محمد رضا پویا	۶۱- فرهاد رمضانعلی	۸۶- ابوذر صلحجو	۱۱۱- سعید مدانلو
۴- فراز آزادی	۳۷- پریسا پوینده	۶۲- نسرين رمضانعلی	۸۷- راضیه صلواتی	۱۱۲- شیوا محبوبی
۵- طه آزادی	۳۸- حمید تقوایی	۶۳- هرمز رها	۸۸- شمه صلواتی	۱۱۳- مهران محبوبی
۶- پروین آزاد	۳۹- امیر توکلی	۶۴- سیامک زارع	۸۹- مجید صندوقدار	۱۱۴- علی محسنی
۷- پیام آذر	۴۰- سحر تیام	۶۵- امیر زاهدی	۹۰- امیر عسگری	۱۱۵- نوید محمدی
۸- کیان آذر	۴۱- کیوان جاوید	۶۶- محمد زندیان	۹۱- محمد علیزاده	۱۱۶- فاروق محمدی
۹- سیاوش آذری	۴۲- جلیل جلیلی	۶۷- سلیمان سبکبار	۹۲- اندیشه علیشاهی	۱۱۷- یدی محمودی
۱۰- مجید آذری	۴۳- علی جوادی	۶۸- رضا سرلک	۹۳- ایرج فرجاد	۱۱۸- شهناز مرتب
۱۱- محمد آسنگران	۴۴- شیرزاد چوپانی	۶۹- بهرام سروش	۹۴- جمیل فرزاد	۱۱۹- عظیم مطور
۱۲- محسن ابراهیمی	۴۵- آکو حسینی	۷۰- نهوشیار سروش	۹۵- سیروان قادری	۱۲۰- سیامک مکی
۱۳- منیژه اتمای	۴۶- طه حسینی	۷۱- سلیمان سیگارچی	۹۶- سروه فرهنگدی	۱۲۱- بهار میلانی
۱۴- خلیل احدی	۴۷- آزاد خاده	۷۲- محبوبه سیاهمردی	۹۷- فرامرز قربانی	۱۲۲- بهروز مهرآبادی
۱۵- مینا احدی	۴۸- بهمن خانی	۷۳- کریم شامحمدی	۹۸- طغرا قره‌گوزلو	۱۲۳- کاوش مهران
۱۶- محمود احمدی	۴۹- شهلا خباززاده	۷۴- لیلی شعبانی	۹۹- مهین کابلی	۱۲۴- جمیله میرکی
۱۷- مسعود ارژنگ	۵۰- جمال خسروی	۷۵- سودابه شکیبا	۱۰۰- محمد کاظمی	۱۲۵- نوید مینایی
۱۸- امیر ارضلانی	۵۱- سهیلا خسروی	۷۶- محمد شکوهی	۱۰۱- اصغر کریمی	۱۲۶- فاضل نادری
۱۹- عبدالله اسدی	۵۲- میترا دانشی	۷۷- شیرین شمس	۱۰۲- محمد کریمی	۱۲۷- مسعود نادری
۲۰- زری اصلی	۵۳- شهلا دانشفر	۷۸- مصطفی صابر	۱۰۳- ناصر کشکولی	۱۲۸- آرش ناصری
۲۱- غلام اکبری	۵۴- پتی دیونیتاس	۷۹- جمال صابری	۱۰۴- محمدمامین کمانگر	۱۲۹- خالد ناصری
۲۲- تیمور امجدی	۵۵- فرزانه درخشان	۸۰- سوسن صابری	۱۰۵- خلیل کیوان	۱۳۰- سارا نخعی
۲۳- سیروس ایل‌بیگی	۵۶- حمید رحیم‌پور	۸۱- مریم صادقی	۱۰۶- عبدل گلپریان	۱۳۱- نسان نودینیان
۲۴- ودا ایلکا	۵۷- صابر رحیمی	۸۲- کیا صبری	۱۰۷- جمال گل‌حسینی	۱۳۲- محمد نعمتی
۲۵- حمید رضا ایوبی	۵۸- میلاد رسایی‌منش	۸۳- حسن صالحی	۱۰۸- بهنام گله‌داری	۱۳۳- کاظم نیکخواه
۲۶- شادی بهار				۱۳۴- سمیر نوری
۲۷- نازنین برومند				۱۳۵- ستار نوریزاد
۲۸- مهدی بصیری				۱۳۶- سعید ویسی
۲۹- بهروز بهاری				۱۳۷- سمیرا هوشیاریان
۳۰- سیامک بهاری				۱۳۸- رحیم یزدانپرست
۳۱- سیما بهاری				۱۳۹- بابک یزدی
۳۲- شهاب بهرامی				۱۴۰- نازنین یوسف‌نژاد
۳۳- مینا بهروزی				

از صفحه ۶

برگزیت: انگلستان در گرداب بحران سیاسی

بود و دست مردم برای دخالت در سیاست بازتر خواهد شد. دموکراسی یعنی اینکه مردم رای بدهند و به خانه‌هایشان بروند و امور را به "الیت سیاستمدار" واگذار کنند. رفراندوم مجدد این سنت و روال متعارف و "دموکراتیک" را نقض میکند و مردم را "پر رو" میکند که

هرجا ناراضی بودند تقاضای رای گیری مجدد کنند. به همین دلیل سیاستمداران احزاب بزرگ انگلیس اکثرا از طرح رفراندوم مجدد خودداری میکنند و تمایلی به رفراندوم مجدد ندارند. اما برگزیت آنچنان در هم ریختگی ای در سیستم انگلیس ایجاد کرده است که راه دیگری جز رفراندوم مجدد و ضربه کاری به دموکراسی باقی نگذاشته است. با هر خط معیاری که به اوضاع انگلستان نگاه کنیم

تا آینده نا معلومی شاهد تلاطمات سیاسی جدی ای در صحنه سیاسی این کشور خواهیم بود و معلوم نیست که این طوفان به چه سرانجامی منجر شود. عجالتا به جای مثبتی که شکست یک جریان فاشیست و دست

راستی است منجر شده است.*



KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

مجازاتهای سنگین علیه دستگیر شدگان اول مه را محکوم میکنیم

بنابر رای صادره شعبه ۲۸ دادگاه حکومتی به ریاست قاضی منفور مقیسه، عاطفه رنگریز از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر به ۱۱ سال و شش ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است. همچنین پروین محمدی نایب رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران و هاله صفرزاده و علیرضا تقفی دو تن از اعضای کانون مدافعان حقوق کارگر که در آستانه روز جهانی کارگری در ششم اردیبهشت بازداشت شده بودند، هر یک به یکسال حبس محکوم شدند.

حزب کمونیست کارگری احکام وحشیانه زندان و شلاق برای کارگران و فعالین اجتماعی را شدیداً محکوم کرده و بر لغو فوری آنها تأکید میکند. جمهوری اسلامی با احکام سنگین زندان و شلاق علیه فعالین اجتماعی تلاش دارد فضای پوینده و رشد یابنده سرنگونی طلبی را عقب براند اما این تقلا را نیز به شکست خواهیم کشاند. قبلاً نیز چهار نفر دیگر از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر محاکمه شده و بر اساس اتهامات امنیتی وارده بر آنان مرضیه امیری به ۱۰ سال و نیم زندان و تحمل بیش از ۱۰۰ ضربه شلاق، محکوم شده است. رسول طالب مقدم از رانندگان شرکت واحد به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به ۷۴ ضربه شلاق، ۲ سال حبس و ۲ سال تبعید به منطقه فرایز خراسان جنوبی محکوم شده است. حسن سعیدی عضو سندیکای واحد به پنج سال حبس محکوم شده است. و

فرهاد شیخی عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران به ۴ ماه حبس و ۵ ضربه شلاق محکوم شده است. هم اکنون کارزاری برای آزادی فوری بازداشت شدگان اول مه با تأکید بر اینکه برگزاری اول مه حق مسلم کارگران و کل جامعه است در جریان است. در کنار آن کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات در جریان است که خواست فوری آن لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان معترض و فعالین اجتماعی است. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از این کارزارهای مبارزاتی بر آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی تأکید میکند. برگزاری مراسم اول مه حق بی چون و چرای کارگران و همه مردم است. این حق را با قدرت اتحاد و مبارزه وسیع کارگران و مردم تحمیل خواهیم کرد.

**پیش به سوی
اعتصابات سراسری!
نابود حکومت
اسلامی سرمایه داران!
حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۰ شهریور ۱۳۹۸،
۱ سپتامبر ۲۰۱۹**

**زندانی
سیاسی
آزاد باید
گردد!**

مردم مبارز کردستان!

به حمایت از کارگران زندانی، زندانیان سیاسی و علیه دستگیری ها بر خیزیم!

در چند هفته گذشته چندین نفر از فعالین کارگری، زنان، معلمان، فعالین زیست محیطی و دانشجویها در کردستان دستگیر و در زندان هستند. در سنندج؛ آرام زندی فعال کارگری ششم شهریور ساعت یازده شب هنگامی که در حال بازگشت از سر کار به خانه بود، توسط ماموران لباس شخصی در حضور مادر پیرش "دایه مریم" با ضرب و شتم بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال داده شده. "دایه مریم" مادر آرام با دیدن ضرب و شتم و دستگیری فرزندش به حمله قلبی دچار شد و به بیمارستان تامین اجتماعی سنندج انتقال یافت که هم اکنون به دستور پزشک بستری می‌باشد. در سنندج خه بات شکیبیا، دستگیر شده است. یاسر امینی آذر، معلم ساکن شهر مهاباد از سوی دادگاه ضد انقلابی شهر مهاباد به اتهام شرکت در اعتصاب معلمین در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه به ۱۵ ماه حبس محکوم شده است. اسکندر لطفی، بازرس «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران» در دو ابلاغیه جداگانه به دادگاه کیفری و انقلاب شهرستان سنندج احضار شده است. در ابلاغیه اولی که برای این عضو هیات مدیره «انجمن صنفی معلمان استان کردستان» (مربوآن) ارسال شده، وی باید در روز ۲۶ شهریورماه سال جاری به شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان سنندج مراجعه و خود را معرفی نماید. در ابلاغیه دوم وی باید برای پاسخ به اتهامات «نشر اکاذیب در فضای مجازی» و «تبلیغ علیه نظام» (روز ششم مهرماه سال جاری به شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری شهرستان سنندج مراجعه نماید. ۳۰ مرداد ماه، آخرین جلسه دادگاهی اسحاق روحی فعال

کارگری، در شعبه ۱ دادگاه سنندج برگزار شد و به اتهام تبلیغ علیه نظام به یکسال حبس تعزیری محکوم گردید. در مروان تعدادی از اعضای «انجمن سبز چیا» و فعالان اجتماعی، علی رضایی، امید صالحی، یادگار دلجو، فاتح هوشمند و گوران قربانی بازداشت شده‌اند. در دیواندره، امید شاه محمدی معلم ۱۹ خرداد بازداشت و به زندان سنندج منتقل شد. امید شاه محمدی به اتهام تشویق معلمان به اعتصاب به یکسال زندان محکوم گردیده است.

با اعتراضات متحدانه علیه دستگیری ها دست بکار شوید. جمهوری اسلامی در منگنه فشار اعتراضات کارگران، معلمان و بازنشستگان و توده ناراضی مردم قرار دارد. جمهوری اسلامی به هدف امنیتی کردن اعتراضات و حضور گسترده فعالین کارگری و اجتماعی میخواهد مردم را مرعوب کند! اما سیاست مرعوب و در منگنه قراردادن اعتراضات سالها است توسط کارگران، زنان و مردم ناراضی و عاصی از حکومت اسلامی کنار زده شده است. فضای تهدید، فشار و ارعاب توسط اعتراضات مردم در شهرها، کارگران در مراکز کارگری و در زندانها با ارسال پیامهای کوبنده در هم شکسته شده است. مردم نشان دادند که تسلیم نمیشوند، مرعوب نمیشوند!

ما مردم کردستان و تمامی مدافعین آزادی و برابری را به سازماندهی اعتراض و حمایت گسترده از کارزار آزادی کارگران و زندانیان سیاسی و چند هفته گذشته فرا میخوانیم!

خانواده های دستگیر شدگان، کارگران و زندانیان سیاسی نیز در شرایط کنونی میتوانند نقش بسیار مهمی در دامن زدن به مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان ایفا کنند. اقدامات فردی و جمعی تاکنونی آنها، بیانییه ها و نامه های اعتراضی و مصاحبه ها و کلیپ هایی که تهیه میکنند، همه اینها بیانگر روحیه عمومی جامعه است که کوتاه نمی آید و در مقابل هر بگیر و ببندی دست به کاری میزند. با توجه به ابعاد وسیع دستگیری ها این اقدامات میتواند شکل سازمانیافته تر و قوی تری بخود بگیرد.

برای آزادی تمامی فعالین دستگیر شده، و لغو احکام زندانی بهنام ابراهیم زاده، عمر کریمی، امید شاه محمدی، آرام زندی، یاسر امینی آذر و ده ها فعال کارگری و معلمان و زیست محیطی و تمامی کسانی که در تجمع اول ماه مه دستگیر شدند، دست به اعتراض سازمانیافته بزنید!

**کمیته کردستان
حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۲ شهریور ۱۳۹۸
۳ سپتامبر ۲۰۱۹**

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

سرکوب اعتراضات مردمی در ایران و دستگیری و مجازات فعالین مدنی و اجتماعی باید فوراً خاتمه یابد!

به اتحادیه های کارگری و سازمانهای

مدافع حقوق انسان در سراسر جهان

سرکوب اعتراضات مردم و فعالیتهای سیاسی و مدنی در ایران طی هفته های گذشته شدت یافته است. مقامات امنیتی جمهوری اسلامی دهها فعال کارگری، مدافعین حقوق زن، فعالین دانشجویی، نویسندگان، بهائیان، وکلا، طرفداران محیط زیست، مدافعین حقوق حیوانات و همچنین و شهروندانی که در مراسم جشن و سرور شرکت داشته اند را دستگیر و برای آنها احکام زندان و شلاق صادر کرده اند. از جمله موارد سرکوبیهای اخیر احکام زندان و شلاق علیه نیشکر هفت تپه و فعالین کارگری که حق و حقوق خود را مطالبه کرده اند، بازداشت وسیع فعالین حقوق زنان، احکام ظالمانه و طولانی زندان و شلاق برای زنانی که مخالف حجاب اجباری و تبعیض جنسیتی بوده اند، احکام زندان و شلاق برای کسانی که در مراسم روز جهانی کارگر شرکت داشته اند، بازداشت گروهی کسانی که به کشتار وحشیانه سگها معترض بوده اند، بازداشت روزنامه نگاران و کسانی که حامی فعالین کارگری بوده اند، دستگیری کسانی که با صدور بیانیه خواهان استعفای خامنه ای شده اند، مجازات فعالین دانشجویی که اعتراضات کارگری را مورد حمایت قرار داده اند، اجرایی کردن طرح محرومیت زندانیان از درمان و پولی کردن آن، توطئه گری در زندان علیه زندانیان و ضرب و شتم آنها بوده است. آنچه ما در هفته های گذشته شاهد بوده ایم رویکرد عمومی یک رژیم ضد مردمی و سرکوبگر است که در مقابل میلیونها مردمی که خواهان سرنگونی اش هستند، راهی جز خشونت و سرکوب در مقابل خود نمی یابد. به

میزانی که اعتراضات مردم برای پیگیری حقوق خود بیشتر شده است، تلاشهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی هم برای عقیم گذاشتن این مبارزات از طریق دستگیری و صدور احکام زندان شدت یافته است.

آنچه مردم ایران در این شرایط سخت و بسیار حساس از شما انتظار دارند این است که نسبت به دستگیری و مجازات فعالین مدنی و اجتماعی در ایران ساکت ننشینید. اتحادیه های کارگری بارها و بارها به پامال کردن حقوق انسانی در ایران اعتراض کرده اند و خواستههای کارگران و مردم را مورد حمایت گرم خود قرار داده اند و اکنون هم انتظار داریم این فشارها را بیشتر کنید. به هر طریق ممکن و از جمله ارسال نامه اعتراضی به مقامات جمهوری اسلامی نسبت به این جنایات و بی حقوقی ها واکنش نشان دهید. امروز بستگان دستگیر شدگان در ایران با انتشار ویدئوهایی در باره دستگیری عزیزانشان از همه مردم ایران و جهان انتظار دارند که خواهان آزادی آنها شوند. ما بارها گفته ایم که جمهوری اسلامی نه نماینده مردم ایران بلکه حکومت سرکوب مردم ایران است. تروریسمی که جمهوری اسلامی در سطح بین المللی نمایندگی می کند همان تروریسمی است که این رژیم چهل سال تمام علیه مردم ایران بکار گرفته و نتیجه مستقیمش قتل دهها هزار مخالف سیاسی حکومت

توسط جمهوری اسلامی بوده است. از نظر ما هر گونه سازش و مماشات دول غربی با جمهوری اسلامی به معنای این است که دست این رژیم را در سرکوب آزادیخواهان و مبارزین آزاد گذاشت. اجازه ندهید که چنین اتفاقی بیفتد. بگذار همه دول غربی خود را تحت فشار همه شما انسانهای شریف و آزادیخواه جهان برای انزوای سیاسی جمهوری اسلامی بدانند.

ما امضا کنندگان این نامه از همه شما انتظار داریم که ما را در کارزار جهانی علیه بساط سرکوبگری حکومت اسلامی همراهی کنید. شما نیز می توانید با اعلام حمایت از خواستههای زیر ما را در متوقف کردن موج جدید سرکوب در ایران یاری دهید. ما امضاء کنندگان این نامه بر نکات زیر تاکید داریم:

- احضارها، پیگردها و محاکمات تحت عنوان اتهامات امنیتی باید فوراً

متوقف شود. بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه، بازداشت شدگان اول ماه مه، معلمان دریند، فعالین حقوق زنان و زنان معترض زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

- ما دادگاههای ناعادلانه ای را که برای بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه، فعالین کارگری و فعالین سیاسی و اجتماعی برپا شده بشدت محکوم می کنیم. قرار وثیقه و تمامی احکام امنیتی صادر شده برای کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی باید فوراً لغو شوند.

- شلاق به مثابه جنایت قرون وسطایی حکومت اسلامی باید ممنوع اعلام شود. ما دستگاه قضایی جمهوری اسلامی با قوانین جزایی اسلامی اش را به عنوان دستگاهی در خدمت منافع سرمایه داران و علیه کارگران محکوم میکنیم.

- تجمع، تشکل، اعتصاب،

آزادی بیان و عقیده، برگزاری مراسم روز جهانی کارگر و برابری کامل زن و مرد حقوق پایه ای کلیه مردم است.

- جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار و تمام مراجع بین المللی اخراج شود.

با ما همراه شوید تا صدای کارگران، زنان، دانشجویان، فعالین محیط زیست، معلمان، پرستاران، جوانان و دانشجویان و همه شهروندانی باشیم که تاوان حق خواهی خود را با سرکوب و احکام زندان و شلاق جمهوری اسلامی میدهند. آینده از آن مردم ایران است. دوست و یاور این مردم باشید و از مبارزات کارگران، زنان و مردم آزاده در ایران به گرمی حمایت کنید.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)

کمیته بین المللی علیه اعدام ۱ سپتامبر ۲۰۱۹



فورا آزادشان کنید!

Free Them Now